

# نظام اجتماعی و سیاسی دوره جاهلیت

## و وقایع دوره بعثت پیامبر از کتاب سیره رسول الله (ص)

○ فریدون شایسته

۲- کتاب‌هایی که نویسندگان غیرمسلمان اروپایی که غالباً مسیحی یا یهودی متعصب بوده‌اند نوشته و از بیان مطالب آنان، دیدگاه‌های خصمانه و تحریف حقایق و واقعیات را می‌توان به وضوح ملاحظه کرد.

زریاب، علاوه بر اینکه قرآن را ارزنده‌ترین منبع برای سیره پیامبر (ص) می‌داند، تابعین را هم به عنوان منابع سیره ذکر نموده است و از بین تابعین چند تن را به عنوان اینکه در کتب سیره از آنان به کرات یاد شده است معرفی می‌نماید که آن دو، فرزندان خلیفه سوم (عثمان) و یکی از صحابه پیامبر (ص) یعنی زبیر بن عوام است (أبان بن عثمان - ابو عبدالله عروه بن زبیر).

مؤلف، از زمان آغاز اهتمام مسلمین به تألیف سیره اشاره ننموده، ولی از خلال نوشته‌های او می‌توان به این امر دست یافت نامبرده معتقد است که کار تدوین و تألیف سیره پیامبر (ص) در زمان خلافت بنی‌امیه به کندی پیش می‌رفته و برای اثبات این ادعا، به سه دلیل استناد کرده که عبارت‌انداز:

۱- چون بیشتر بنی‌امیه به ویژه ابوسفیان، رئیس این خاندان از مخالفان سرسخت پیامبر بودند قطعاً نوشتن سیره در این مقطع نمی‌توانست از طریق بیان واقعیت‌ها، موجبات خرسندی بنی‌امیه را فراهم سازد.

۲- مردم مدینه که انصار خوانده می‌شدند در جنگ‌های پیامبر با اهل مکه، ضربات سختی به قریش و به ویژه بنی‌امیه وارد ساخته بودند و حتی در واقعه قتل عثمان که از بنی‌امیه بود نیز، از او طرفداری نکرده بودند.

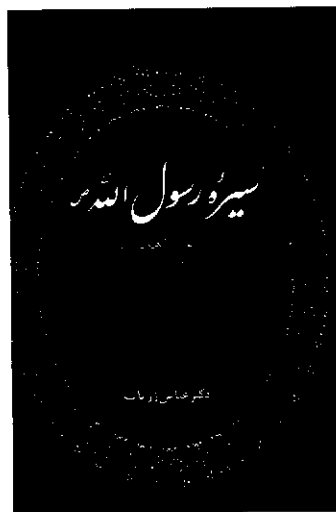
۳- خاندان بنی‌هاشم یعنی خاندان پیامبر در طول دوران بعثت و حتی در جنگ‌ها و وقایع، فداکاری‌های بسیار به خرج دادند که تلاش‌های علی (ع) در این راستا از این‌گونه است بانوجه به کنیه دیرینه قریش با بنی‌هاشم، ذکر دلاوری‌ها و رشادت‌های بنی‌هاشم موافق طبع بنی‌امیه نبود.

دکتر زریاب برای اثبات ادعای خود دو واقعه را به عنوان شاهد ذکر کرده است که مطالعه آن خالی از لطف نیست:

○ سیره رسول الله (ص)

○ تألیف: دکتر عباس زریاب

○ ناشر: سروش، چاپ دوم ۱۳۷۶، ۲۰۲ صفحه



مرحوم دکتر عباس زریاب علت تألیف کتاب سیره رسول الله را در پیش گفتار، درخواست عده‌ای از دوستان دانشمندش که به جهت تدریس و آموزش تاریخ اسلام و سیره پیامبر (ص) توسط نامبرده، در دانشگاه تهران صورت گرفته دانسته است. زریاب در ادامه، کتب مختص به سیره را با همه تنوع و تعدد آن به دو دسته عمده تقسیم می‌کند:

۱- کتاب‌هایی که از حدود قرن دوم هجری تاکنون نوشته شده و در زمره آن دسته از کتابهایی هستند که به صدر اسلام تعلق داشته و نزاع قبایل جنوبی و شمالی عربستان را حتی در لابه‌لای نوشته‌های مورخان عرب مشهود می‌سازد.

زریاب علت کندی سیره نویسی در دوره اموی را سه عامل می‌داند

- ۱- چون بیشتر بنی‌امیه به ویژه ابوسفیان، رئیس این خاندان از مخالفان سرسخت پیامبر بودند قطعاً نوشتن سیره در این مقطع نمی‌توانست از طریق بیان واقعیت‌ها، موجبات خرسندی بنی‌امیه را فراهم سازد.
- ۲- مردم مدینه که انصار خوانده می‌شدند در جنگ‌های پیامبر با اهل مکه، ضربات سختی به قریش و به ویژه بنی‌امیه وارد ساخته بودند و حتی در واقعه قتل عثمان که از بنی‌امیه بود نیز، از او طرفداری نکرده بودند.
- ۳- خاندان بنی‌هاشم یعنی خاندان پیامبر در طول دوران بعثت و حتی در جنگ‌ها و وقایع، فداکاری‌های بسیار به خرج دادند که تلاش‌های علی(ع) در این راستا از این‌گونه است باتوجه به کنیه دیرینه قریش با بنی‌هاشم، ذکر دلاوری‌ها و رشادت‌های بنی‌هاشم موافق طبع بنی‌امیه نبود.

خصومت میان انصار (یمانی) و طالبان خون عثمان (عدنانی)، در دوران اسلامی باز تولید شود. (صص ۲۶-۲۷).

زریاب، علت اشتها اعراب یمانی و نزاری را در تاریخ اسلام به اعراب قحطانی و عدنانی از نظر دور نداشته و این خود بیانگر اشراف آن مرحوم به سیر حوادث حتی کوچک و جزئی در تاریخ صدر اسلام می‌باشد. وی می‌نویسد:

گروه نزار یا معد یا عدنان که قریش از ایشان بود با بودن حضرت رسول و خلفا از ایشان، چندان احتیاجی به پیدا کردن افتخارات نداشتند، اما گروهی که یمانی و جنوبی بودند در صدد برآمدند که این نشانه جغرافیایی را به نشانه اصل انسانی و نسب بدل سازند و مانند عدنان - که خود را به موجب عهد عتیق از اسماعیل می‌دانستند خود را از قحطان (یقطان مذکور در عهد عتیق) دانستند. (ص ۲۸).

قبل از حاکمیت قریش بر مکه، قبیله مهاجر خزاعه که از یمن آمده بود توانست مکه را از تسلط قبیله جرهم خارج سازد در دوره حاکمیت جرهم، مردم شبه جزیره عربستان که خود را فرزندان ابراهیم و اسماعیل می‌دانستند، در دین توحیدی بودند و خدای یگانه را می‌پرستیدند، ولی تسلط خزاعه وضع را دگرگون ساخت و با اقدام عمرو بن لُحی که گفته‌اند بت هبل را از شام به مکه آورد، بت‌پرستی و شرک در مکه و به دنبال آن در جزیره‌العرب گسترش یافت.

بنا به اعتقاد زریاب، خزاعه علاوه بر رواج بت‌پرستی در مکه، رسمی همچون: بحیره، سائیه، وصیله و حام را که قرآن مجید در سوره مائده و آیه ۱۰۳ به آنها اشاره شده، در مکه شایع ساخت که اسلام این رسوم را ممنوع ساخت رسوم مذکور، همه درباره شتران و گوسفندان بود که در حالات خاصی مردم از خوردن گوشت آنها امتناع می‌کردند و یا به خدایان اهداء می‌کردند (صص ۳۸-۳۹) زریاب در ادامه می‌نویسد: رواج بت‌پرستی در مکه به وسیله قوم خزاعه موجب نشد که رسم قدیم مکه یعنی تعظیم خانه خدا و مراسم حج - فراموش شود حتی با آنکه در حین طواف، بت‌های خود را یاد می‌کردند، نام

۱- بنا به نوشته زبیر بن بکّار در اخبارالموفقیات، سلیمان بن عبدالملک در زمان ولیعهدی، متن استنساخ شده‌ای از سیره پیامبر (ص) را که بنا به ادعای ابان بن عثمان در نزد وی به یادگار بوده، مطالعه کرده و آن را به جهت مدح رشادت‌ها و جانفشانی‌های انصار که در سیره بدان پرداخته شده بود، سوزانده و پس از بازگشت به شام، پدرش خلیفه را در جریان ماجرا گذاشته و عبدالملک نیز، به او گفته است: «چه احتیاج داری که کتابی را بیاوری که در آن برای ما فضیلت و برتری نوشته نشده است و بخواهی از راه آن مطالبی را به مردم شام بشناسانی که ما نمی‌خواهیم آن را بدانند.» (ص ۱۶)

۲- بنا به نوشته ابوالفرج اصفهانی در کتاب اغانی، هنگامی که محمد بن شهاب زهری از سوی خالد بن عبدالله قسری حاکم عراقین (عراق عرب و عجم)، مأمور نوشتن و تهیه سیره پیامبر (ص) می‌شود از خالد استعلام می‌کند که در سیره گاهی ذکر علی بن ابیطالب(ع) می‌آید آیا آن را بنویسیم؟ خالد می‌گوید نه مگر آن که به صورت بدی باشد. (ص ۱۸).

زریاب، با ذکر آیه ۱۳ از سوره حُجرات که به نفی اُنساب می‌پردازد، معتقد است که تقسیم همه قبیایل به دو شاخه یا دو شعبه بزرگ یمانی و نزاری در اوایل اسلام صورت گرفته است، وی در مورد نسب مردم مکه و مدینه می‌نویسد:

قریش که ساکن مکه بودند، نسب خود را به نزار پسر معدین عدنان می‌رساندند و به همین جهت نزاری یا معدی یا عدنانی محسوب می‌شدند اما ساکنان یثرب، به طور عمده از دو قبیله اوس و خزرج بودند، یمانی بوده و از جنوب آمده بودند.

زریاب، انتساب و افتخار مردم مکه و مدینه را در دوران حیات پیامبر (ص) به اعراب عدنانی و یمانی امری متوقف و معطل می‌داند و در ادامه یادآور می‌گردد که در ماجرای جانشینی پیامبر، رقابت بین مردم مدینه و مکه با یکدیگر، آشکار شد، کشته شدن عثمان، خلیفه سوم به دست مردم مدینه یا انصار نقطه شروع اختلافات اعراب عدنانی و یمانی بوده تلاش‌های معاویه در این راستا موجب گردید که به تدریج

خدای یگانه را نیز بر زبان می‌آوردند و با آن که بت‌ها را شریک او می‌دانستند ملک و قدرت حقیقی را به دست خدای یگانه می‌دانستند. (ص ۳۹)

دکتر مشکور در کتاب خلاصه ادیان بر همین نظر است و درباره اعتقاد اعراب دوره جاهلیت به الله می‌نویسد: «نزد اعراب دوره جاهلیت، ایمان به الله به عنوان خدای اکبر و برتر از دیگر خدایان وجود داشته است الله در عصر جاهلیت، به معنای خدای اعظم و اکبر بسیار متداول بوده و در اشعار آن عصر دیده می‌شود.»<sup>۱</sup>

اداره مکه با دارالندوه یعنی خانه توده مردم بود که به منزله انجمن شهر امروزی به شمار می‌رفت. تأسیس دارالندوه به دوره حاکمیت قریش برمکه و ریاست قصی بن کلاب برمی‌گردد. زریاب وظایف دارالندوه را امور ذیل می‌داند:

- ۱- تعیین سن بلوغ و ازدواج دختران که برای دختر دم‌بخت، لباس خاصی می‌بریدند.
- ۲- ختنه پسران.
- ۳- انجام ازدواج در دارالندوه.

ترکیب اعضای دارالندوه نیز، جالب توجه است.

۱- همه اولاد قصی می‌توانستند عضو این انجمن شوند ولی طوایف دیگر قریش نمی‌توانستند عضو این انجمن گردند مگر آن که چهل سال - داشته باشند این امر می‌رساند که شرافت خانوادگی و اعتقاد به آن، که از خصوصیات نظام قبیله‌ای به حساب می‌آمد، به شدت حفظ شده بود.

۲- مسأله ۴۰ سالگی، نشانه پختگی و کمال عقل در میان قریش و به طور کلی در میان عرب بوده است. (ص ۴۲)

زریاب در ذیل عنوان حمله ابرهه به مکه، علل حمله او را چنین می‌شمارد است:

- ۱- شاید او می‌خواست است. مملکت خود را به مملکت روم نزدیک‌تر سازد، زیرا هر دو مسیحی و هم‌کش بودند.
- ۲- شاید رومیان او را تحریک می‌کردند تا بتوانند اداره راه‌های تجارت با اقیانوس هند را در دست دولتی که به آیین مسیح بود، مشاهده کرده و از این جهت آسوده خاطر باشند.
- ۳- شاید ثروتی که مکیان، به تازگی از راه تجارت با شمال و جنوب به دست آورده بودند و شهرت اقتصادی و دینی مکه، حسد او را برانگیخته بود و نمی‌خواست چنین مرکز اقتصادی و دینی مهمی، از حوزه اقتدار او خارج باشد. (ص ۴۷)

زریاب از میان علل برشمرده شده، مورد سوم را قوی‌تر از آن دو دانسته و در جهت اثبات ادعایش می‌نویسد: می‌گویند ابرهه، کلیسایی (قلیسی) در صنعا ساخته بود و بر آن اموالی گزاف خرج کرده بود و می‌خواست تا همه مردم عربستان برای زیارت به آن کلیسا روی آورند، ظاهراً مقصود او این بوده است که هم صنعا را مرکز سیاسی عربستان کند و هم مردم عربستان را به دین مسیح درآورد. (صص ۴۷-۴۸).

مؤلف فقید، علاوه بر ذکر روایت فوق جهت اثبات دیدگاه خویش به آیات قرآن نیز استناد می‌جوید و می‌نویسد: بعد از نزول سوره فیل، سوره قریش نازل شده است. آیات سوم و چهارم از سوره قریش، اشاره به تأمین تجارت و اقتصاد مکه و رهایی از دست دشمنان حبشی است خداوند در قرآن می‌فرماید: خداوند، سپاه ابرهه را تار و مار کرد تا قریش را در سفرهای شمال و جنوب مطمئن سازد و راه‌شان را امن کند، این خود می‌رساند که یکی از علل سفر جنگی حبشه - یمن درست است - به مکه مسأله بازرگانی و قطع دست قریش از تجارت میان روم، حبشه، یمن و اقیانوس هند بوده است. (ص ۵۰)

زنده یاد زریاب درباره اعتقادات عرب جاهلی می‌نویسد: از کتب اخبار جاهلیت معلوم می‌شود که هر قبیله‌ای خدا و بت مخصوصی داشت که البته قبایل دیگر نیز به آن احترام می‌گذاشتند به جز اصنام که در سرتاسر شبه جزیره عربستان پراکنده بوده و نام‌های خاص داشتند، اشیای مورد پرستش دیگری نیز وجود داشت که «نُصَب» یا - «انصاب» نامیده می‌شد و در آیات سوم و نود سوره مائده از آنها یاد شده است نُصَب و انصاب، سنگ‌هایی بوده‌اند که حیوان قربانی را بر روی آن و شاید در برابر اصنام ذبح می‌کردند و می‌بایست چنان به خون آلوده شود که رنگش به رنگ خون درآید.

اصنام و بت‌ها تا زمانی مورد احترام بودند که برخلاف منافع مادی زائران و پرستندگان نباشد. نوشت‌های زنده‌یاد دکتر زرین کوب درباره اعتقاد عرب جاهلی به بت‌ها مؤید ادعای مؤلف است:

«... اگر بت‌های خود را پرستش می‌کرد و احياناً هدیه و قربانی بدان‌ها تقدیم می‌نمود، برای آن بود که عادت کرده بود جهت رفع حوائج و انجام مقاصد خویش بدان‌ها توسل کند گاه برای بت نذر می‌کرد که اگر خطری را از وی دفع کند، گوسفندی یا شتری قربانی کند اما چون خطر می‌گذشت به جای آن آهویی صحرايي را صید می‌کرد و می‌کشت و یقین داشت که بت نمی‌فهمد و تفاوت نمی‌نهد لیکن در بسیاری موارد وقتی حاجت او روا نمی‌گشت و یا قربانی او مقبول نمی‌شد به خشم می‌آمد و بر بت‌های خویش سنگ می‌بارید و دشنام نثار می‌کرد گاه در هنگام سختی و تنگدستی خدای خود را که سال‌ها عبادت کرده بود چون از آرد و خرما بود می‌شکست و می‌خورد در بعضی موارد بت را از خدایی خویش خلع می‌کرد و ساختگی بودن و ناچیز بودن آن را آشکارا بدو گوشزد می‌کرد.»<sup>۲</sup>

پرستش آفتاب و ماه و ستارگان نیز معمول بوده است. از آیه ۳۷ سوره فُصِّلَتْ و ۶۹ سوره انعام چنین برمی‌آید که عرب شب و روز را نیز مانند آفتاب و ماه همچون خدا می‌دانستند و یا به آن احترامی فوق طبیعی قائل بوده‌اند. (صص ۵۹-۶۲)

شادروان زریاب برای سپردن کودکان اشراف قریش به دایه (زنان بادیه نشین) دو علت را مطرح نموده است:

۱- روایت تاریخی = پنج تن از پنج شاخهٔ مختلف قریش،

نهانی با هم قرار گذاشتند که یک روز به هنگام اجتماع قریش در مسجد مکه همه با هم اعلان کنند که آن صحیفه یا معاهده نامه را نقض خواهند کرد. این پنج تن تصمیم خود را در مسجدالحرام در مجمع قریش اعلام کردند و ابوجهل، با همهٔ مقاومت نتوانست کاری از پیش ببرد. مطعم بن عدی بلند شد و صحیفه‌ای را که در کعبه بود گرفت و پاره کرد.

۲- روایت دینی = خورده شدن صحیفه به جز نام «بسمک اللهم» و اعلام این خبر از سوی خداوند به پیامبر (ص) و گزارش ابوطالب (ص ۱۷۷) سیرهٔ رسول الله (ص)، کتابی گرانمایه و خواندنی است اهتمام مؤلف، شرح تقویمی یا کروئولوژیک وقایع زندگی اعراب جاهلی و دورهٔ بعثت نیست بلکه وی کوشیده است موارد مهم و قابل اعتنا در زندگی عرب جاهلی و وقایع مهم دورهٔ بعثت برگزیند و با دیدهٔ انتقادی به متون و وقایع بنگرد و تحلیل و ارزیابی خود را پیرامون هریک از وقایع، به اطلاع خوانندگان برساند، مؤلف در پایان کتاب از ۳۹ مأخذ یاد کرده است که ۳۵ منبع به زبان عربی، ۳ منبع به زبان فارسی و یک منبع به زبان انگلیسی است. استفاده از منابع اصلی و متون قدیمی و تطبیق نوشته‌ها و دیدگاههای مورخان عرب، علاوه بر افزایش اهمیت کتاب بیانگر تلاش و کوشش قابل تحسین مؤلف در مراجعه به این منابع نفیس است.

شیوایی کلام و روانی قلم، موجب انس خوانندگان کتاب با نویسندگان می‌گردد. به همین جهت، خوانندگان کتاب با استقبال از ادبیات مخصوص مؤلف از مطالعهٔ کتاب باز نمی‌ایستند و تلاش خود را برای فهم تحلیل‌های نو و ارزیابی‌های صاحب قلم متوقف نمی‌سازند. متأسفانه کتاب مذکور، فاقد ارجاعات به عنوان زیرنویس و یا قید فصل و توضیح در قسمت پایان فصل و یا ضمیمه می‌باشد اگرچه می‌توان گفت ارجاعات پی در پی ممکن است موجب خستگی ذهن مطالعه‌کنندگان شود ولی یکی از نقاط قوت و محاسن کتاب‌های خواندنی و ماندگار، ارجاعات خوانندگان به منابع ارزنده و گرانبها می‌باشد که در تدوین و تألیف این کتاب مورد غفلت قرار گرفته است با این توصیف از آنجا که مؤلف سخن هیچ منبعی را بدون دقت و خرد تحلیلی نپذیرفته و سپس تحلیل‌های خود را باز متکی بر منابع متقن نهاده است، می‌توان زبان به تحسین او گشود.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. مشکور، محمدجواد: خلاصهٔ ادیان در تاریخ دین‌های بزرگ، انتشارات شرق، چاپ دوم ۱۳۶۲، ص ۲۸۱.
۲. زرین‌کوب، عبدالحسین: تاریخ ایران بعد از اسلام، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم ۱۳۶۳، ص ۲۱۷.

۱- تربیت در هوای سالم بادیه. (ص ۸۹)

۲- تربیت و به‌ویژه فراگیری فصاحت کلام. (ص ۹۰)  
زریاب نخستین گروندگان به پیامبر (ص) را ضعفا و مستضعفین دانسته و بر این باور است که اصطلاح مستضعف را خود قریش بر این افراد نهاده بودند. (ص ۱۱۸)

زریاب در ذیل عبارت اقدامات قریش، علت اخراج بنی‌هاشم از مکه و مهاجرت آنان به شعب ابی‌طالب را گرایش روزافزون جوانان و ضعفا به آئین اسلام و ناتوانی آنان از اتخاذ روش‌های خصومت‌آمیز و جنگی دانسته است و دو عامل را مانع اقدامات خشونت‌آمیز و جنگ طلبانهٔ قریش برمی‌شمرد:

۱- در نظام قبیله‌ای، آزار و فشار بر فردی که از طایفه نیرومندی است، کار ساده‌ای نبوده و این کار باید به موافقت و همراهی افراد و بزرگان همان خاندان صورت گیرد وگرنه افراد خاندان کسی که مورد حمله قرار می‌گرفت به حمایت او برمی‌خواستند و کار به نزاع و خونریزی می‌کشید و پایان آن معلوم نبود.

۲- در شهر مکه، همهٔ طوایف با هم زندگی می‌کردند و خصومت، یکباره شهری را درآتش و خون می‌کشید و دشمنی دائمی به وجود می‌آورد چنان که در شهر یترب (مدینه) چنین وضع خطرناکی وجود داشت. (ص ۱۴۹)

زریاب علت مهاجرت مسلمانان به حبشه، را دو عامل جست‌وجو می‌کند:

۱- حضرت می‌خواست، یارانش مدتی از آزار، استهزا و تعقیب قریش در امان باشند تا شاید زمانی فرا برسد که عدهٔ مسلمانان بیشتر شود و برای اسلام و تبلیغ آن، محیط امن‌تری به وجود آید.

۲- شاید هم چنان که بعضی از خاورشناسان، حدس زده‌اند می‌خواسته است تجارت مهم قریش را با حبشه به هم بزند و مضمون آیهٔ ۵۷، سورهٔ قصص را که بیم و واهمهٔ قریش بود عملی سازد. (ص ۱۵۸)

مؤلف پس از ذکر خلاصهٔ اخباری دربارهٔ محاصرهٔ اقتصادی و اجتماعی بنی‌هاشم در شعب ابی‌طالب از نوشته‌های طبری، ابن هشام و ابن سعد، نکاتی چند را یادآور می‌گردد که می‌توان گفت کمتر مورد توجه محققان تاریخ اسلام قرار گرفته است:

۱- قریش بنی‌هاشم و بنی‌مطلب را محاصره کردند نه مسلمانان را. بنا به نقل بلاذری، مسلمانان بنی‌هاشم به جهت اسلام و دین به شعب رفتند و غیرمسلمانان‌شان برای حمیت و تعصب قبیله‌ای.

۲- مدت سه سال و حتی دو سال که برای این محاصره با این شدت ذکر کرده‌اند زیاد می‌نماید. (ص ۱۷۵)  
زریاب در بیان علت نقض صحیفه دو روایت را ذکر کرده که یکی مبنای دینی و دیگری مبنای تاریخی دارد: